

رابطه بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

رقیه پرهام^۱، معصومه بهبودی**

چکیده

هدف این پژوهش تعیین رابطه بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر بود. روش تحقیق این پژوهش توصیفی همبستگی و جامعه آماری کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر بودند که تعداد ۲۱۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری شامل پرسشنامه خودسنجی هوش معنوی دیوید کینگ (۲۰۰۸)،

Parham.roghayeh@gmail.com

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر گروه روانشناسی

* کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

۶۴ / رابطه بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق پذیری خانواده.....

پرسشنامه مهارت ارتباطی بارتون (۱۹۹۰)، مقیاس ارزیابی انطباق پذیری و همبستگی خانواده دیوید اولسون (۱۹۸۵) بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و یافته‌های پژوهش در سطح معنی داری ($p \leq 0,01$) نشان داد که بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل رابطه معناداری وجود دارد. همچنین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده را پیش‌بینی می‌کند. بطوریکه بین همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده و همه مؤلفه‌های هوش معنوی رابطه معناداری وجود دارد و بین همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده و همه مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی رابطه معناداری وجود داشت.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، مهارت‌های ارتباطی، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده

بیان مسأله

خانواده کوچکترین جزء اجتماع است. اجتماعی که از خانواده‌های سالم تشکیل شده باشد، مسلماً اجتماعی است سالم. و شرط آنکه خانواده‌ای سالم باشد این است که افراد آن سالم باشند. لذا برای بهبود وضع اجتماع، تلاش برای بهبود وضع خانواده و افراد آن مهمترین مسأله است (ستیر، ۱۳۹۳).

صاحب نظران در خصوص معنای سلامت در خانواده به توافق قطعی نرسیده‌اند؛ اما ساده‌ترین تعریف می‌گوید خانواده‌ای سالم تلقی می‌شود که در آن آسیب جدی وجود نداشته باشد. به باور بکوار و بکوار (۱۹۹۲) غالب خانواده‌های سالم دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- تقسیم و تخصیص بر حق قدرت میان اعضاء.
- وجود مقررات و قوانین با ثبات و پذیرفته شده در سیستم.
- وجود اشتراکات بنیادین در مورد شیوه‌های فرزندپروری.
- داشتن درک صحیح در خصوص نحوه‌ی حفظ روابط زناشویی.
- وجود اهداف کلی (در مورد سیستم خانواده) و جزئی (در رابطه با هر عضو) و عمل کردن بر اساس این اهداف.
- انعطاف‌پذیری و قابلیت‌سازگاری به منظور تطبیق با مراحل طبیعی استحاله در خانواده و نیز مواجهه‌ی کارآمد با بحران‌های پیش‌بینی نشده.

از جمله عواملی که فرایند تحول روانی هر فرد را از بدو تولد تحت تأثیر قرار می‌دهد عامل کنش‌های خانوادگی است. یکی از نظریاتی که با دیدگاهی سیستمی خانواده را مورد بررسی قرار می‌دهد مدل گشتاوری (چند مختصاتی) اولسون است.

اولسون (۱۹۹۹) با نگاهی سیستمی به خانواده مدل گشتاوری را مطرح می‌سازد. فرضیه مهم این مدل این است که زوجها و خانواده‌های متعادل در مقایسه با سیستم‌های نامتعادل تمایل دارند که بیشتر مفید (عمل‌گرا) باشند. بر این اساس وی در این مدل روی سه بعد اصلی سیستم‌های خانوادگی و زناشویی تمرکز می‌کند:

– انسجام خانوادگی و زناشویی،

- انعطاف‌پذیری خانوادگی و زناشویی

- ارتباطات خانوادگی و زناشویی

انسجام خانواده به صورت پیوند عاطفی که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند تعریف می‌شود. در این بعد تمرکز بر آن است که چگونه سیستم‌ها جدایی‌شان را در تقابل با، با هم بودنشان متعادل می‌کنند.

بعد انعطاف‌پذیری خانوادگی و زناشویی به میزان تغییر در رهبری و مدیریت خانواده و روابط نقش و قوانین رابطه اشاره دارد. تمرکز این بعد بر این است که چگونه سیستم‌ها استواری و استحکام را در مقابل تغییر متعادل می‌کنند.

بعد ارتباطات خانوادگی و زناشویی که بعد سوم در مدل گشتاوری است؛ یک بعد تسهیل کننده قلمداد می‌شود که برای تسهیل حرکت دو بعد دیگر مهم است.

یکی از یافته‌های مهم اولسون و همکارانش اهمیت نزدیکی زوجها و انعطاف‌پذیری زوجها در ازدواج‌های موفق می‌باشد. مطالعات گذشته نشان داده‌اند که گفتگو و حل و فصل اختلافات وجه تمایز اغلب زوج‌های موفق از ناموفق است، اما در ارزیابی اولسون، نزدیکی و انعطاف‌پذیری به اندازه گفتگو و حل و فصل اختلافات، در پیش‌بینی زندگی‌های زناشویی موفق پراهمیت جلوه کرده است. در زوجها و خانواده‌هایی که با تعادل رفتار می‌کنند هر یک از اعضا، استقلال شخصی خود و وابستگی خویشاوندی را رشد و توسعه می‌دهد. این رویه نوعی توازن است که در آن فرد احساس راحتی کرده و به راحتی بین سطوح تنهایی و با هم بودن جابه‌جا می‌گردد (اولسون و همکاران، ۲۰۰۸).

گاتمن (۱۹۹۸) به این نتیجه رسید که موفقیت ازدواج احتمالاً پیش از آنکه به سازگاری زوج با یکدیگر مرتبط باشد، وابسته به چگونگی ارتباط آن‌ها در برخورد با مسائل گوناگون است (اولسون، ۱۳۸۳).

مهارت‌های ارتباطی مجموعه‌ای از رفتارهایی است که کیفیت ارتباط شخص با شخص را می‌سازد. ارتباط کارآمد، شامل توانایی همسران برای انتقال روشن، صحیح و مؤثر افکار، احساسات نیازها و خواسته‌هایشان می‌باشد (گلدنبرگ، ۲۰۰۰). زوج‌هایی که با مهارت، ارتباط مؤثر برقرار می‌کنند، توانایی تصدیق یکدیگر، گوش دادن و پاسخ غیرتدافعی به نیازهای همسر خود، تمرکز بر مسائل

موجود در هنگام بروز سوء تفاهم و احساسات منفی به روشی غیرمخرب، از خود نشان می‌دهند (فرید، ۱۳۸۶).

بال رنکین طبق تحقیقات خود گزارش داد، ۷۰ درصد زمان بیداری هر فرد صرف ارتباط می‌شود و از آن ۴۵ درصد به گوش دادن می‌گذرد، ۳۰ درصد سخن گفتن، ۱۶ درصد خواندن و فقط ۹ درصد برای نوشتن اختصاص دارد (مایرز و مایرز، ۱۳۸۷).

مهارت‌های گفتگوی خوب، آموختنی و بهبود یافتنی است. طبق تحقیقات گاتمن (۱۹۹۵) در زوج‌های شاد اظهارنظرهای مثبت، پنج برابر اظهارنظرهای منفی است (اولسون، ۱۳۸۳). طی چند سال گذشته دانشمندان علوم رفتاری، فرآیند ارتباط انسانی را به دقت مطالعه و کشف کرده‌اند که رفتارهای خاص موجب نتایج قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود. مهارت‌ها و فرآیندهای رفتاری خاص، افراد را قادر می‌سازد که پیام‌ها را با دقت بیشتر، مؤثرتر و کارآمدتر رد و بدل کنند. علاوه بر آن مطالعات نشان می‌دهند زوج‌هایی که می‌آموزند چگونه تعارض‌ها و اختلافات خود را به طور مؤثر و کارآمد حل و فصل کنند، بیشتر از زوج‌هایی که فاقد چنین مهارت‌هایی هستند می‌توانند به زندگی مشترک ادامه بدهند (میلر و همکاران، ۱۳۹۵).

از نظر کینگ (۲۰۰۸) هوش معنوی عبارت است از مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ذهنی انطباقی که بر جنبه‌های غیر مادی و متعالی واقعیت استوار می‌شوند، به ویژه آن‌هایی که در ارتباط با ماهیت هستی فرد، معنای شخصی، تعالی و حالت‌های اوج گرفته هوشیاری می‌باشد. در عمل، این فرایندها با توجه به توانایی شان در تسهیل شیوه‌های منحصر بفرد حل مسأله، استدلال انتزاعی و کنار آمدن انطباقی می‌باشد.

بر اساس نظر زوهر و مارشال (۲۰۰۰)، به واسطه هوش معنوی به مشکلات معنا، ارزش و حل آن‌ها می‌پردازیم و با استفاده از آن می‌توانیم اعمال و زندگی‌هایمان را در بافتی که از لحاظ معنادهی غنی‌تر و وسیع‌تر می‌باشد قرار دهیم و به کمک آن می‌توانیم بسنجیم که یک روش و یا یک راه زندگی از دیگر راه‌ها از معناداری بیشتری برخوردار است یا نه. در نگاه این دو نظریه پرداز، هوش معنوی پایه و اساس ضروری برای عملکرد مؤثر هوش منطقی و هوش هیجانی می‌باشد. هوش معنوی، هوش بنیادی و اساسی انسان است. آنها معتقدند که هوش معنوی، بینشی ژرف پدید می‌آورد که چشم اندازهایی نو و تازه به زندگی باز می‌کند، این

بینش و چشم انداز تازه شخص را قادر می‌سازد که از عهده‌ی کارها به خوبی برآید و به گونه خلاق راه حل‌هایی تازه برای مسایل زندگی خود برگزیند.

هوش معنوی می‌تواند به عنوان یک متغیر مهم و متفاوت بین فردی در نظر گرفته شود. کاربرد آگاهانه هوش معنوی در زندگی فرد می‌تواند به افزایش رابطه با خویشان، دیگران و جهان بزرگ‌تر شود (سیسک، ۲۰۰۲). واگن (۲۰۰۲) عقیده دارد که هوش معنوی موجب پرورش خودآگاهی بیشتر می‌شود. همچنین بر حسب نظام عقیدتی فرد، هوش معنوی قادر است که هوشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر یا یک وجود مقدس را تسهیل کند یا افزایش دهد (سیسک و تورانس، ۲۰۰۱).

حسین دخت، فتحی آشتیانی و تقی زاده (۱۳۹۲) تحقیقی تحت عنوان رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی در بیمارستان‌های شهر مراغه انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد.

زارعی و احمدی سرخونی (۱۳۹۱) هدف از اجرای پژوهش، پیش بینی نقش مؤلفه‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با رضایت‌مندی زناشویی زوجین در شهر بندرعباس بود. یافته‌ها نشان داد که از بین خرده مقیاس‌های مربوط به الگوهای ارتباطی و هوش معنوی زوجین، خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل و زندگی معنوی از هوش معنوی بیشترین مقدار پیش بینی را در واریانس متغیر وابسته رضایت زناشویی دارد و رابطه قوی و مثبت معنی داری وجود دارد.

خجسته مهر، عباس پور، رجبی (۱۳۸۷) در پژوهشی که بر روی زوجین متأهل در شهر اهواز انجام دادند به این نتیجه رسیدند که زوجین دارای مهارت‌های ارتباطی پرگذشت در مقایسه با زوجین دارای مهارت‌های ارتباطی کم گذشت به طور معناداری میزان پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی بالاتری دارند

بین (۲۰۱۷) در پژوهش خود سعی در توضیح عواملی داشت که معنویت از طریق آنها بر رابطه رومانیتیک در خانواده‌ها اثر می‌گذارد. به اعتقاد او باورهای معنوی و مذهبی بر مؤلفه‌های روابط رومانیتیک از قبیل، آمیزش جنسی، انسجام زناشویی، عشقبازی، خانواده‌ی اصلی،

فرزندان، آبستنی (زایمان)، و طلاق اثر می‌گذارند. این مطالعه نشان داد که باورهای معنوی و مذهبی بر جنبه‌های گوناگون زندگی زناشویی نفوذ دارد. باورهای معنوی و مذهبی با اثر گذاری بر باورهای ارتباطی و رفتاری جوانان را برای آغاز زندگی مشترک آماده می‌کنند.

چانگ (۲۰۱۷) در پژوهشی که بر روی زنان مطلقه مهاجر در کره انجام داد به این نتیجه رسید زنانی که طبق پاسخ‌های خود گزارشی آنان دارای مهارت‌های ارتباطی ضعیفی بودند معمولاً در ایجاد و ادامه یک ارتباط مطلوب با دیگران به ویژه با همسر مشکل داشتند.

کویل، ناچجسکی، مگوین، سافیر، دی وایت و مک دونالد (۲۰۱۶) در حمایت از مفهوم سازی والش نتایج تحقیق خود را حاکی از تاثیر عملکرد خانواده بر تاب‌آوری آن منتشر کردند. آنها در پژوهش خود از ابزاری که پنج عامل مهم تاب‌آوری را در خود دارد، استفاده کردند. این پنج عامل عبارتند از ارتباط، حل مسأله، انسجام، نقش‌های انطباقی و ارزشها و باورهای خانواده. بنابراین می‌توان گفت که کیفیت ارتباط زوجی و خانوادگی می‌تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم متأثر از باورهای معنوی باشد.

گریف و لوبسر (۲۰۱۵)، مطالعه‌ای کیفی با هدف بررسی نقش معنویت به عنوان یک ویژگی خانواده‌های تاب‌آور در خانواده‌های آفریقایی جنوبی انجام دادند. شرکت‌کنندگان در مطالعه‌ی آنها اعضای ۵۱ خانواده بودند که باید به سه سؤال باز پاسخ که جهت تعیین عوامل و یا توانمندی-هایی که اخیراً به خانواده‌ها کمک کرده بود پاسخ می‌دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که معنویت یک منبع مقابله قدرتمند برای خانواده‌ها محسوب می‌شود. الگوهای محوری از شش دسته مرتبط تشکیل شده بودند که موفقیت در سازگاری خانواده‌های شرکت‌کننده پس از بحران را تسهیل می‌کردند. این شش دسته عبارت بودند از: خداوند؛ راهنمایی؛ کارهای (مقدرات) خداوند؛ طرحهای خداوند؛ عبادت؛ و ایمان.

لیتزینگر و گوردون (۲۰۱۴) در پژوهشی که در مورد انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده در خانواده‌های دارای عضو بیمار مبتلا به ایدز و خانواده‌های جمعیت عمومی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که مکانیسم‌های عمده‌ای که از طریق آن حوادث چرخه زندگی منجر به کاهش انسجام خانواده می‌شود، ارتباط است. حوادث استرس‌زایی مثل بیماری مزمن منجر به کاهش‌گری، افزایش خصومت، انتقاد و منفی‌گری در خانواده می‌شود. در این میان زنان نسبت به مردان توجه

۷۰ / رابطه بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق پذیری خانواده.....

بیشتری به محتوای پیام‌های ارتباطی خانواده دارند و انتقاد بیشتری از کیفیت ارتباط در خانواده می‌کنند، اما مردان با وجود انتقاد کمتر از رابطه تأثیر اندکی از نارضایتی زنان می‌پذیرند. نتایج پژوهش مارش و دالاس (۲۰۱۴) بر روی زوجین کاتولیک نشان داد که بین داشتن عقاید و اعمال مذهبی و سطح تعارض و خشم زوجین رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان داد زوجینی که سطح اعمال معنوی آنان بالا بود در روابط زناشویی شان و همبستگی با همسر تعارض کمتری داشتند.

نتایج پژوهش ویتکین و رز (۲۰۱۳) در مورد آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی بر روی زوجین نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌تواند سطح رضایت مندی زناشویی و همبستگی بین زوجین را ارتقاء بخشد.

نتایج پژوهش هانت و کینگ (۲۰۱۲) در پژوهشی که بر روی زوجی انجام دادند، دریافتند که بین شاخص معنویت و مذهب و رضایت زناشویی و حتی سلامت جسمانی آنان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد داشتن نگرش معنوی در زندگی می‌تواند نقش چشم‌گیری در پیش‌بینی رضایت زناشویی و سطح انعطاف‌پذیری زوجین داشته باشد.

سالیوان (۲۰۱۲) در پژوهشی که بر روی زوجین انجام داد، دریافت که بین گرایش‌های معنوی و مذهبی زوجین و ازدواج آنان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که مذهب و معنویت تأثیر باواسطه و طولی بر روی رضایت زوجین دارد و میزان همبستگی عاطفی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش وانگ و یائو (۲۰۱۰) بر روی پرستاران در مورد تجربه آنان در جلسات مراقبت‌های معنوی نشان داد که پرستاران شرکت‌کننده در این جلسات به طور کلی رضایت از زندگی بالایی داشتند و در ارتباط شان با بیماران به شیوه‌ای مطلوب‌تر و کارآمدتر برخورد می‌کردند.

- والت و آلتا (۲۰۰۶) در پژوهشی که بر روی دانشجویان در دانشگاه آفریقای جنوبی انجام دادند به این رسیدند که هوش معنوی تبیین‌کننده مهارت‌های ارتباط سازمانی در دانشجویان می‌باشد. هوش معنوی با تعدیل‌سازی مهارت‌های ارتباطی می‌تواند نوع ارتباط و شیوه برقراری ارتباط با دیگران را در سطح معناداری تحت تأثیر قرار دهد.

لذا با عنایت به آنچه گفته شد این پژوهش قصد دارد این سؤال را پاسخ دهد که چه رابطه‌ای بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر وجود دارد؟

سؤال اصلی

بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر چه رابطه‌ای وجود دارد؟

سؤال‌های فرعی

۱. بین هوش معنوی و هریک از خرده مقیاس‌های آن با همبستگی خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر چه رابطه‌ای وجود دارد؟
۲. بین هوش معنوی و هریک از خرده مقیاس‌های آن با انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر چه رابطه‌ای وجود دارد؟
۳. بین مهارت‌های ارتباطی و هریک از خرده مقیاس‌های آن با همبستگی خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر چه رابطه‌ای وجود دارد؟
۴. بین مهارت‌های ارتباطی و هریک از خرده مقیاس‌های آن با انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر چه رابطه‌ای وجود دارد؟
۵. آیا هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر را پیش‌بینی می‌کند؟

روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد.

جامعه آماری در تحقیق حاضر شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر بوده است که در سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند و طبق اعلام آن دانشگاه ۲۰۰۰ نفر می‌باشند. از بین دانشجویان ۲۴۰ نفر (با احتساب ۴۰ نفر برای افت آزمودنیها) به صورت تصادفی خوشه‌ای (با در نظر گرفتن نسبت دانشجویان دانشکده‌ها و جنسیت دانشجویان در جامعه) انتخاب شدند. در بررسی نهایی به دلیل عدم پاسخ کامل به پرسشنامه‌ها، تعداد ۳۰

پرسشنامه حذف شده و در نهایت اطلاعات ۲۱۰ نفر مورد تحلیل قرار گرفت.

روش گردآوری اطلاعات

پرسشنامه خود سنجی هوش معنوی کینگ: این مقیاس توسط دیوید کینگ در سال (۲۰۰۸) تدوین شده است. این مقیاس یک ابزار اندازه گیری مربوط به سنجش هوش معنوی با چهار زیر مقیاس (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، بسط حالت هوشیاری و آگاهی متعالی) و دارای ۲۴ گویه است. مقیاس بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای لیکرت با گزینه‌های "اصلا در مورد من صدق نمی‌کند"، "خیلی در مورد من صادق نیست"، "تا حدودی در مورد من مورد صدق می‌کند"، "خیلی در مورد من صادق است"، "کاملا در مورد من صادق است" تنظیم شده است.

پرسشنامه مهارت ارتباطی بارتون: پرسشنامه مهارت های ارتباطی در سال (۱۹۹۰) توسط جی. ای بارتون تهیه و تنظیم شد. این پرسشنامه ۱۸ سوال رادبر گرفته و دارای سه مولفه می باشد و هدف از آن کمک به فرد برای حصول بینش در مورد مهارت های ارتباطی خود می باشد. مهارت های ارتباطی مورد بررسی در این پرسشنامه بر طبق نظریه بارتون، سه مهارت کلامی، مهارت گوش دادن و مهارت بازخورد است. این پرسشنامه دارای طیف لیکرت است و به صورت کاملاً مخالف ۱، مخالف ۲، مطمئن نیستم ۳، موافق ۴، کاملاً موافق ۵، نمره گذاری شده است.

مقیاس ارزیابی انطباق پذیری و همبستگی خانواده: (م ۱۱ خ-III): این مقیاس توسط دیوید اچ. اولسون، جوئسی پورتنر و یو. آف. لوی (۱۹۸۵) تدوین شده است. هدف اندازه‌گیری همبستگی و انطباق پذیری خانواده می‌باشد. این مقیاس یک ابزار ۲۰ سؤالی است که برای سنجش دو بعد عمده عملکرد خانواده، یعنی همبستگی و انطباق پذیری تدوین شده است. این مقیاس بر اساس الگوی حلقوی پیچیده عملکرد خانواده ساخته شده است که بر وجود سه بعد محوری در عملکرد خانواده، یعنی همبستگی، انطباق پذیری (قدرت تغییر کردن) و ارتباط تأکید دارد. (م ۱۱ خ-III) سومین ابزار از یک رشته ابزار است که برای سنجیدن دو بعد از این سه بعد ساخته شده است. این ابزار برای قرار دادن خانواده ها در «الگوی حلقوی

پیچیده» تدوین شده است و این کار را با سنجیدن نظر اعضا نسبت به خانواده خود در وضع حاضر (ادراک) و در وضعیت دلخواه (ایده ال) آنها انجام می دهد. بنابراین، در این مقیاس به همان ۲۰ سؤال به دو طریق متفاوت پاسخ داده می شود.

روش و تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

سؤال پژوهشی اول: بین هوش معنوی و هر یک از خرده مقیاس‌های آن با همبستگی خانواده در دانشجویان متاهل چه رابطه‌ای وجود دارد؟

جدول ۱: خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل واریانس برای معناداری مدل رگرسیون

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۸۹۰/۶۵	۴	۴۷۲/۶۶	۵/۰۲	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۹۲۷۵/۳۴	۲۰۵	۹۴/۰۲		
کل	۲۱۱۶۶	۲۰۹			

همانطور که مندرجات جدول ۱ نشان می دهد، هوش معنوی در مدل رگرسیون به طور معناداری با همبستگی خانواده دانشجویان متاهل رابطه دارند ($F=5/02$ و $P<0/01$).

جدول ۲: خلاصه ضرایب رگرسیونی برای ابعاد هوش معنوی

مدل نهایی	ضریب رگرسیون (B)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد (بتا)	T	سطح معناداری
تفکر وجودی	۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۰۸	۱/۱۵	۰/۲۴
ایجاد معنای شخصی	۰/۹۰	۰/۲۵	۰/۳۰	۳/۵۶	۰/۰۰۱
آگاهی متعالی	-۰/۵۱	۰/۲۷	-۰/۱۷	-۱/۸۳	۰/۰۶
گسترش حالت هوشیاری	۰/۲۰	۰/۲۹	۰/۰۶	۰/۶۹	۰/۴۸

متغیر ملاک: همبستگی خانواده

نتایج جدول ۲، سهم هر کدام از متغیرهای وارد شده در مدل پیش بینی همبستگی خانواده را نشان می دهد. همان طوری که در جدول ۲ ملاحظه می شود یکی از ابعاد هوش معنوی (ایجاد معنای شخصی) سهم معناداری در پیش بینی "همبستگی خانواده" دارند و بزرگترین ضرایب بتا برابر

۷۴ / رابطه بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق پذیری خانواده.....

با ۰/۳۰ برای ایجاد معنای شخصی می باشد. به عبارتی دیگر عامل " ایجاد معنای شخصی " نقش قوی تری در پیش بینی " همبستگی خانواده " دانشجویان متاهل دارد.

سؤال پژوهشی دوم: بین هوش معنوی و هر یک از خرده مقیاس‌های آن با انطباق پذیری خانواده در دانشجویان متاهل چه رابطه ای وجود دارد؟

جدول ۳: خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل واریانس برای معناداری مدل رگرسیون

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۱۹/۱۹	۴	۱۲۹/۷۹	۱/۳۴	۰/۲۵
باقیمانده	۱۹۸۴۰/۳۷	۲۰۵	۹۶/۷۸		
کل	۲۰۳۵۹/۵۶	۲۰۹			

همانطور که مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد، هوش معنوی (تفکر وجودی، ایجاد معنای شخصی، آگاهی متعالی، گسترش حالت هوشیاری)، در مدل رگرسیون به طور معناداری با انطباق پذیری خانواده رابطه ندارند ($P > 0.01$ و $F = 1.34$).

سؤال پژوهشی سوم: بین مهارت‌های ارتباطی و هر یک از خرده مقیاس‌های آن با همبستگی خانواده در دانشجویان متاهل چه رابطه‌ای وجود دارد؟

جدول ۴: خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل واریانس برای معناداری مدل رگرسیون

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۱۱۰۲۲/۰۳	۳	۳۶۷۴/۰۱	۷۴/۶۱	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۰۱۴۳/۹۶	۲۰۶	۴۹/۲۴		
کل	۲۱۱۶۶	۲۰۹			

همانطور که مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد، مهارت‌های ارتباطی (مهارت کلامی، مهارت شنود، مهارت بازخورد)، در مدل رگرسیون به طور معناداری با همبستگی خانواده رابطه دارند ($P < 0.01$ و $F = 74.61$).

جدول ۵: خلاصه ضرایب رگرسیون برای مهارت‌های ارتباطی

مدل نهایی	ضریب رگرسیون (B)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد (بتا)	T	سطح معناداری
مهارت کلامی	۱/۳۹	۰/۱۹	۰/۴۵	۷/۰۷	۰/۰۰۱
مهارت شنود	-۰/۲۹	۰/۱۵	-۰/۰۹	-۱/۹۴	۰/۰۵

متغیر ملاک: همبستگی خانواده

نتایج جدول ۵، سهم هر کدام از متغیرهای وارد شده در مدل پیش‌بینی همبستگی خانواده را نشان می‌دهد. همان طوری که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود **مهارت کلامی و مهارت بازخورد** سهم معناداری در پیش‌بینی همبستگی خانواده دانشجویان متاهل دارند و بزرگترین ضریب بتا برابر با ۰/۴۵ برای مهارت کلامی می‌باشد. به عبارتی دیگر عامل "مهارت کلامی" نقش قوی‌تری در پیش‌بینی "همبستگی خانواده" دانشجویان متاهل دارد.

سؤال پژوهشی چهارم: بین مهارت‌های ارتباطی و هر یک از خرده‌مقیاس‌های آن با انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متاهل چه رابطه‌ای وجود دارد

جدول ۶: خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل واریانس برای معناداری مدل رگرسیون

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۹۴۳۸/۰۳	۳	۳۱۴۶/۰۱	۵۹/۳۳	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۰۹۲۱/۵۳	۲۰۶	۵۲/۰۱		
کل	۲۰۳۵۹/۵۶	۲۰۹			

همانطور که مندرجات جدول ۶ نشان می‌دهد، مهارت‌های ارتباطی (مهارت کلامی، مهارت شنود، مهارت بازخورد)، در مدل رگرسیون به طور معناداری با انطباق‌پذیری خانواده رابطه دارند ($P < ۰/۰۱$ و $F = ۵۹/۳۳$).

جدول ۷: خلاصه ضرایب رگرسیون برای مهارت‌های ارتباطی

مدل نهایی	ضریب رگرسیون (B)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد (بتا)	T	سطح معناداری
مهارت کلامی	۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۰۸	۱/۲۲	۰/۳۲
مهارت شنود	۱/۸۲	۰/۱۵	۰/۶۲	۱۱/۶۰	۰/۰۰۱
مهارت بازخورد	۰/۱۷	۰/۱۷	۰/۰۶	۱	۰/۳۱

متغیر ملاک: انطباق‌پذیری خانواده

نتایج جدول ۷، سهم هر کدام از متغیرهای وارد شده در مدل پیش‌بینی انطباق‌پذیری خانواده را نشان می‌دهد. همان طوری که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود **مهارت شنود** سهم معناداری در پیش‌بینی انطباق‌پذیری خانواده دانشجویان متاهل دارد و بزرگترین ضریب بتا برابر با ۰/۶۲ برای

۷۶ / رابطه بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق پذیری خانواده....

مهارت شنود می‌باشد. به عبارتی دیگر عامل "مهارت شنود" نقش قوی‌تری در پیش بینی "انطباق پذیری خانواده" دانشجویان متاهل دارد.

سؤال پژوهشی پنجم: آیا هوش معنوی، مهارت‌های ارتباطی، همبستگی و انطباق پذیری خانواده در دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر را پیش بینی می‌کنند؟

جدول ۸: خلاصه نتایج تجزیه و تحلیل واریانس برای معناداری مدل رگرسیون

منابع تغییرات	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۰۸۰۱/۱۷	۲	۱۰۴۰۰/۵۸	۷۹/۳۶	۰/۰۰۱
باقیمانده	۲۷۱۲۷/۳۰	۲۰۷	۱۳۱/۰۵		
کل	۴۷۹۲۸/۴۸	۲۰۹			

همانطور که مندرجات جدول ۸ نشان می‌دهد، هوش معنوی (تفکر وجودی، ایجاد معنای شخصی، آگاهی متعالی، گسترش حالت هوشیاری) و مهارت‌های ارتباطی (مهارت کلامی، مهارت شنود، مهارت بازخورد)، در مدل رگرسیون به طور معناداری با همبستگی و انطباق پذیری خانواده رابطه دارند ($P < 0/01$ و $F=79/36$).

جدول ۹ خلاصه ضرایب رگرسیون برای هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی

مدل نهایی	ضریب رگرسیون (B)	خطای استاندارد	ضریب استاندارد (بتا)	T	سطح معناداری
مهارت‌های ارتباطی	۱/۵۹	۰/۱۳	۰/۷۵	۱۱/۹۴	۰/۰۰۱
هوش معنوی	-۰/۳۱	۰/۰۹	-۰/۲۱	-۳/۴۳	۰/۰۰۱

متغیر ملاک: همبستگی و انطباق پذیری خانواده

نتایج جدول ۹، سهم هر کدام از متغیرهای وارد شده در مدل پیش بینی همبستگی و انطباق پذیری خانواده را نشان می‌دهد. همان طوری که در جدول ۹ ملاحظه می‌شود **مهارت‌های ارتباطی و هوش معنوی** سهم معناداری در پیش بینی همبستگی و انطباق پذیری خانواده دانشجویان متاهل دارند و بزرگترین ضریب بتا برابر با ۰/۷۵ برای مهارت‌های ارتباطی می‌باشد. به عبارتی دیگر عامل "مهارت‌های ارتباطی" نقش قوی‌تری در پیش بینی "همبستگی و انطباق پذیری خانواده" دانشجویان متاهل دارد.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده سؤال‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. سپس بر اساس شواهد و مستندات علمی برای هر سؤال تبیین‌هایی مطرح گردید.

سؤال پژوهشی اول: بین هوش معنوی و هر یک از خرده مقیاس‌های آن با همبستگی خانواده در دانشجویان متاهل چه رابطه‌ای وجود دارد؟

بر اساس یافته‌های پژوهش، از سؤال پژوهشی اول چنین نتیجه گرفته شد که بین ابعاد هوش معنوی با همبستگی خانواده در دانشجویان متاهل رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های (والث و التا، ۲۰۰۶؛ وانگ و یائو، ۲۰۱۶) مطابقت دارد.

تبیین احتمالی در مورد نتیجه پژوهش از چند جهت قابل تبیین می‌باشد. هوش معنوی، برای انتخابی درست از میان راه‌های موجود در بحث معنویت و عرفان، تشخیص راه درست از غلط، یا عرفان صحیح است که با این هوش انسان دچار تشویش نشده و در دو راهی، تشخیص راه درست از غلط را به انسان نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد زوجینی که مؤلفه‌های هوش معنوی را در طول روز به کار می‌گیرند می‌توانند افکار و احساسات خود را کنترل کرده و بر تنش‌های خود فایق شده و سطح همبستگی خانوادگی بیشتر و بهتری را تجربه کنند و بالطبع آن سلامت روانی و رضایت زناشویی بهتری داشته باشند.

همچنین می‌توان نتیجه گرفت که فراهم نمودن عوامل حمایتی مانند مذهب و معنویت به منظور ارتقاء دهنده سطح سلامت روانی افراد کمک می‌کند که آنان به لحاظ شناختی و عاطفی دارای انعطاف پذیری بالاتری باشند که طبق رویکردهای شناختی انعطاف پذیری‌های شناختی و عاطفی از عوامل اساسی و بسیار مهمی هستند که در زندگی فردی و خانوادگی افراد نقش بسیار کلیدی دارند. داشتن روحیه معنوی و توانایی‌های درونی و اندیشه‌های معنوی جنبه‌هایی اجتناب ناپذیر از زندگی زوجین می‌باشند که در بیشتر شرایط بحرانی و مشکل‌زای زندگی می‌توانند به بهبود سطح سلامت و همبستگی بین زوجین کمک کند.

در صورتی که خانواده بتواند در زمینه ارتقاء سلامت و به ویژه معنویت و ایجاد انگیزه در

۷۸ / رابطه بین هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی با همبستگی و انطباق پذیری خانواده.....

اعضای خانواده، تلاش و فعالیت‌هایی انجام دهد، این امر باعث افزایش سطح رضایت مندی زوجین، افزایش سطح همبستگی بین زوجین، بهبود کیفیت زندگی، جلوگیری از رکود و خمودگی، ابتکار، خلاقیت، کاهش تنش‌ها و فشارهای روانی می‌گردد.

سؤال پژوهشی دوم: بین هوش معنوی و هر یک از خرده مقیاس‌های آن با انطباق پذیری خانواده در دانشجویان متاهل چه رابطه‌ای وجود دارد؟

بر اساس یافته‌های پژوهش، از سؤال پژوهشی دوم چنین نتیجه گرفته شد که بین ابعاد هوش معنوی با انطباق پذیری خانواده در دانشجویان متاهل رابطه معناداری وجود ندارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های پین (۲۰۱۷) و سالیوان (۲۰۱۲) مطابقت نداشت.

نتایج پژوهش‌های پین (۲۰۱۷) و سالیوان (۲۰۱۲) نشان داد که بالا بودن سطح هوش معنوی می‌تواند سطح کارآیی خانواده را افزایش دهد. در صورتی که در پژوهش حاضر ابعاد هوش معنوی رابطه معناداری با انطباق پذیری خانواده در دانشجویان متاهل وجود نداشت.

در تبیین این نتیجه ناهمسو می‌توان گفت که ممکن است چون این پژوهش بر روی جوامع آماری گوناگونی انجام شده‌اند، نتایج متفاوتی بدست آمده است. تبیین دیگر ممکن است به این دلیل باشد که چون انطباق پذیری خانواده، پویایی و انعطاف‌پذیری زوج‌ها در برابر ناهماهنگی-ها را نشان می‌دهد و نشانه‌ای از توانایی نظام خانواده و زوج‌ها برای سازگارشدن با تغییرات کل نظام و اجزای آن است، لذا انطباق‌پذیری خانواده به عوامل گوناگون و متعددی بستگی دارد و این عوامل در زوجین گوناگون بسیار متفاوت می‌باشد. براین اساس هوش معنوی زوجین به تنهایی سهم کمی در پیش‌بینی انعطاف‌پذیری زوج‌ها دارد و عوامل متعدد دیگری هم وجود دارد که می‌توانند سطح انعطاف‌پذیری زوج‌ها را تبیین کنند. بنابراین احتمال دارد یک دلیل هم این باشد که در این پژوهش هوش معنوی رابطه معناداری با انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متاهل وجود نداشت.

سؤال پژوهشی سوم: بین مهارت‌های ارتباطی و هر یک از خرده مقیاس‌های آن با همبستگی خانواده در دانشجویان متاهل چه رابطه‌ای وجود دارد؟

بر اساس یافته‌های پژوهش، از سؤال پژوهشی سوم چنین نتیجه گرفته شد که بین ابعاد

مهارت‌های ارتباطی با همبستگی خانواده در دانشجویان متأهل رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های وتیکین و رز (۲۰۱۳)، برودول ولایت (۲۰۱۶) و چانگ (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که چون رضایت مندی زناشویی و همبستگی بین زوجین در اثر وجود یک رابطه مطلوب یا وجود یک رابطه خیلی محکم، سازنده و کارآمد تداوم می‌یابند و بصورت یک عامل تقویت و انگیزشی برای بهبود زندگی زناشویی عمل می‌کند، لذا ایجاد و بهبود مهارت‌های ارتباطی شرایطی را برای زوجین ایجاد می‌کند و فرصتی را فراهم می‌سازد تا بتوانند درصدد حل مشکلات و تعارضات خودشان برآیند. وقتی زوجین مهارت‌های ارتباطی بالایی داشته باشند، یکدیگر را بهتر و عمیق درک می‌کنند، نیازهای یکدیگر را خیلی بهتر و مناسب‌تر می‌شناسند و این حالت به شکل‌گیری تعاملات سازنده‌تر و همبستگی بیشتر در خانواده کمک می‌کند.

این دسته از زوجین خیلی کمتر پرخاشگری می‌کنند و به جای بحث و جدل، با گفتگو و صحبت کردن مسایل و مشکلات خودشان را حل و فصل می‌کنند. از طرفی دیگر چون زوجین دارای مهارت‌های ارتباطی بالا نسبت به یکدیگر بیشتر گذشت می‌کنند، نسبت به یکدیگر پذیرش بیشتری دارند و به راحتی احساسات خود را با هم در میان می‌گذارند. بنابراین زوج‌ها به جای این که نقاط ضعف همدیگر را در نظر بگیرند و به دنبال متهم کردن یکدیگر و درگیری باشند، بیشتر ذهن خود را بر روی نقاط قوت، توانایی‌ها و شایستگی‌های یکدیگر متمرکز کرده و با هم ارتباطات سازنده و مثبت‌تری را برقرار می‌کنند.

سؤال پژوهشی چهارم: بین مهارت‌های ارتباطی و هر یک از خرده مقیاس‌های آن با انطباق پذیری خانواده در دانشجویان متأهل چه رابطه‌ای وجود دارد؟

بر اساس یافته‌های پژوهش، از سؤال پژوهشی چهارم چنین نتیجه گرفته شد که بین ابعاد مهارت‌های ارتباطی با انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های برگر و هانا (۲۰۰۱) مایو و همکاران (۲۰۱۲) و مک نولتی (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت از آن جایی که زوج‌ها معمولاً به طور اجتناب‌ناپذیری از یک سری مراحل چرخه زندگی عبور می‌کنند و این دوره‌های انتقالی با تغییراتی همراه است. زوج‌هایی که در برابر این تغییرات، انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشند و بتوانند علاوه بر نقش‌های با ثبات، در مواقع لزوم نقش‌های خود را تغییر دهند، پایه‌های زندگی خود را محکم‌تر خواهند کرد. سطح انطباق‌پذیری خانواده افزایش می‌یابد و رضایت زناشویی بیشتری خواهند داشت. از این رو وقتی زوجین مهارت‌های ارتباطی بالایی داشته باشند تعارضات بین فردی به حداقل می‌رسد و زوج‌ها به جای جدل و درگیری فیزیکی و کلامی، صریح و روشن حرف می‌زنند، در بحث‌ها خشک و انعطاف‌پذیر نباشند و عواطف متنوعی را به کار می‌گیرند و می‌توانند خوشحالی یا ناراحتی خود را با هم در میان بگذارند. برگر و هانا (۲۰۰۱) هم اعتقاد دارند مجهز بودن زوجین به مهارت‌های ارتباطی سازنده و مثبت به شکل‌گیری مجدد یک رابطه زناشویی مطلوب منجر می‌شود. در واقع زوجین دارای مهارت‌های ارتباطی بالا می‌توانند تغییرات ناگهانی و اجتناب‌ناپذیری که معمولاً در روابط زناشویی ممکن است اتفاق بیفتد را به مسیری خاص و مشخص هدایت کنند. بر این اساس منطقی به نظر می‌رسد که داشتن مهارت‌های ارتباطی زوجین می‌تواند سطح انطباق‌پذیری دانشجویان متأهل را تبیین کند.

سؤال پژوهشی پنجم: آیا هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی، همبستگی و انطباق‌پذیری

خانواده در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر را پیش‌بینی می‌کنند؟
بر اساس یافته‌های پژوهش، سؤال پژوهشی پنجم تأیید شد و چنین نتیجه گرفته شد که هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی می‌توانند همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده در دانشجویان متأهل را به طور معناداری پیش‌بینی کنند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های هانت و کینگ (۲۰۱۲) و مارش و دالاس (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

در تبیین این یافته‌ها چنین می‌توان بیان کرد که چون زوجین دارای روحیه معنوی بالا معمولاً اهداف و مقاصد دیگری هم در زندگی خودشان جستجو می‌کنند و چیزی فراتر از پاداش‌های مادی در کار جست و جو می‌کنند، آنان در جستجوی یک زندگی با معنا، امیدبخش و خواستار متعادل ساختن زندگی‌شان هستند. معنویت در خانواده و زندگی زناشویی توصیف تجربه

زوجینی است که کارشان را ارضا کننده، با معنا و هدفمند ادراک می کنند و تجربه معنویت در زندگی زناشویی با افزایش خودکارآمدی، خوش بینی و امیدواری پیوند می خورد.

به بیان دیگر، وجود معنویت در تمام عرصه ها باعث ایجاد نوعی معنا و آگاهی در زندگی می شود. داشتن معنا در زندگی زناشویی زوجین هویت شخصی آنان را انسجام می دهد و امری است که افراد بشر را منحصر به فرد می سازد و به ایجاد همبستگی آنان کمک می کند.

همچنین می توان گفت که سلامت معنوی از طریق تدارک یک چارچوب برای تفسیر و توصیف تجارب زندگی و به موجب آن فراهم کردن نوعی احساس انسجام و بهم پیوستگی وجودی می تواند سطح بالایی از همبستگی و انسجام خانواده را در زوجین ایجاد کند.

به تعبیری دیگر معنویت یک سامانه اعتقادی و باوری منسجم ایجاد می کند که باعث می شود افراد برای زندگی معنی پیدا کنند و به آینده امیدوار باشند. هوش معنوی با ایجاد انگیزه و انرژی در فرد، امید به زندگی را افزایش و عملکرد فرد را ارتقا می بخشد. این سازه باعث می شود که زوجین از یک منبع خاص به عنوان پایگاه حمایتی و منبعی که بتوان به آن تکیه کرد بهره مند شود و در نتیجه میزان رضایت از زندگی و همبستگی بیشتر در چارچوب زندگی خانوادگی پیدا می کنند.

وجود احساسات، رفتارها، شناخت های مثبت از ارتباط با خود، دیگران، طبیعت و موجودی برتر، به عنوان عناصر سلامت معنوی، با ایجاد انگیزه و هدف های عمیق و والا منبعی برای انعطاف پذیری انطباق پذیری و نیز تعیین کننده فرآیندهای شناختی و ذهنی در افراد هستند که می توانند به ارتقاء سطح همبستگی و رضای مندی افراد چه در زندگی خانوادگی و چه در زندگی فردی کمک کند. در واقع هوش معنوی به زوجین کمک می کند تا معنای حوادث زندگی بخصوص حوادثی که دردناک و اضطراب زا هستند را به طور کارآمدی بفهمند و باعث دلگرمی و خرسندی بالقوه ای در روان و روحیه آنان شود.

سلامت معنوی، به عنوان بخش زیر بنایی باورها نقش مهمی در کنش های زوجین ایفاء می کند و به آنان توانایی تغییر و تحول و توانایی انطباق پذیری و رسیدن به همبستگی مطلوب را اعطاء می کند و ظرفیت زوجین را برای رویارویی با دشواری ها و سختی ها و فائق آمدن بر آنها بالا می برد.

افزون بر این تعامل هوش معنوی و داشتن روحیه معنوی در کنار مهارت‌های ارتباطی می‌تواند مقدار بیشتری از توانایی انطباق‌پذیری و رسیدن به همبستگی مطلوب را در زوجین پیش‌بینی کند. مهارت‌های ارتباطی که در واقع بیشتر به مهارت‌های ایجاد تعامل و گفتگوی زوجین با یکدیگر، توانایی زبان غیرکلامی و توانایی ایجاد ارتباط می‌باشد و هوش معنوی که غنا بخش بار معنایی در روابط بین زوجین می‌باشد، می‌توانند سطح همبستگی و توانایی انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری را در زوجین افزایش دهد.

محدودیت‌های پژوهش

- پژوهشگر احتمال می‌دهد که شرایط اجتماعی و اقتصادی دانشجویان متأهل در سطح همبستگی و میزان انطباق‌پذیری آنان نقش داشته باشد، که ممکن است در نتایج این پژوهش تداخل کرده باشند.

- از آن جایی که سطح همبستگی و میزان انطباق‌پذیری دانشجویان متأهل به عوامل روانی و غیرروانی زیادی در زندگی آنان بستگی دارد با توجه به هم‌پوشی عوامل روانی و معنویت احتمال دارد که در سهم پیش‌بین متغیر معنویت اثر کنش متقابل اتفاق افتاده باشد. که امکان کنترل آن وجود نداشت.

- با توجه به این که سطح هوش معنوی و مهارت‌های ارتباطی دانشجویان متأهل تا حدودی به عواملی مانند سبک زندگی، عوامل خانوادگی و نوع رشته تحصیلی آنان بستگی دارد، عدم مطالعه و کنترل این متغیرها می‌تواند در نتیجه بدست آمده پژوهش حاضر محدودیت ایجاد کند.

پیشنهاد‌های کاربردی

- به روان‌شناسان و مشاوران در حوزه خانواده پیشنهاد می‌شود که در ارائه و تدوین راهبردها و راهکارها برای ارتقاء سطح رضایت زناشویی، سطح همبستگی و میزان انطباق‌پذیری دانشجویان متأهل، به نقش معنویت آنان توجه کنند.

- به روان‌شناسان و مشاوران خانواده پیشنهاد می‌شود که به منظور ارتقاء سطح همبستگی و میزان انطباق‌پذیری، علاوه بر توجه به نقش معنویت، با انجام کارگاه‌های آموزشی نسبت به

آموزش و تقویت مهارت های ارتباطی به زوجین اقدام کنند.

پیشنهادهای پژوهشی

- پیشنهاد می شود پژوهش های آزمایشی با موضوع برنامه های روانی-آموزشی با تاکید بر نقش معنویت و عوامل روان شناختی در چارچوب مولفه های معنویت و مهارت های ارتباطی برای زوجین انجام شود.
- با توجه به تفاوت های فردی، اجتماعی و اقتصادی خانواده ها و گوناگون شدن سطح معنویت افراد، پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی، پرسشنامه های سنجش ابعاد سطح هوش معنوی و مهارت های ارتباطی متناسب با شرایط زندگی دانشجویان متاهل تدوین شود.
- پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی نقش عوامل سبک زندگی، عوامل خانوادگی و نوع رشته تحصیلی به تنهایی و به صورت واسطه ای در روابط بین معنویت با مهارت های ارتباطی و همبستگی و انطباق پذیری زوجین مطالعه شود.

منابع

- اولسون، د. (۱۳۸۳). توانمند سازی همسران (کامران جعفری نژاد، مترجم). تهران: سازمان بهزیستی
- ثنائی، ب.، علاقبند، س.، فلاحتی، ش.، هومن، عباس. (۱۳۸۷). مقیاسهای سنجش خانواده و ازدواج. تهران موسسه انتشارات بعثت
- حسین دخت، آ.، فتحی آشتیانی، ع.، تقی زاده، م. (۱۳۹۲). رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی. روان شناسی و دین، شماره ۲، سال ۶، ۷۴-۵۷
- خجسته مهر، ر.، عباس پور، ذ.، رجیبی، غ. (۱۳۸۷). مقایسه پیوستگی، انطباق پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی در متاهلین پرگذشت و کم گذشت اداره های دولتی شهر اهواز، مجله علوم تربیتی و روان شناسی، سال ۱۵، شماره ۱، ۱۹۴-۱۷۹
- زارعی، ا.، احمدی سرخونی، ط. (۱۳۹۱). نقش پیش بینی کننده های هوش معنوی و الگو-

- های ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲، شماره ۲، ۱۱۶-۱۰۱
- ستیر، و. (۱۳۹۳). آدم سازی در روانشناسی خانواده (بهروز بیرشک، مترجم). تهران: رشد
 - فرید، ا. (۱۳۸۶). رابطه تیپ‌های شخصیتی آ و ب با رضایت زناشویی، دانشگاه علامه طباطبائی
 - گولدنبرگ، ه.، گولدنبرگ، آ. (۱۳۹۴). خانواده درمانی (مهرداد فیروزبخت، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
 - مایرز، گ. ای.، مایرز، م. (۱۳۸۷). پویایی ارتباطات انسانی (حوا صابر آملی، مترجم). تهران: دانشکده صدا و سیما (نشر اثر اصلی ۱۹۹۲)
 - مک کی، م. (۱۳۸۷). رابطه مؤثر (مهدی قرچه داغی، مترجم). تهران: شباهنگ
 - میلر، ش.، میلر، ف.، ناتالی، ا.، واکمن، د. (۱۳۹۵). آموزش مهارت‌های ارتباط زناشویی (فرشاد بهاری، مترجم). تهران: انتشارات رشد
- Becvar, D. S. & Becvar, R. J. (1992). Family Therapy: A systemic integration (2nd ed). Boston: Allyn and Bacon.
 - Berger, R., & Hannan, M. (2001). Preventive Approaches in Couples Therapy. New York: The Guilford Press.
 - Broadwell, D. F., & Light, K. C. (2016). Hostility, conflict and cardiovascular response in married couple: a focuses on the dyad. Journal of Health & Human Services, 12(3), 142-152.
 - Chang, A. S. (2017). Self-Reported Reasons for Divorce and Correlates of Psychological Well-Being among Divorced Korean Immigrant Women". Journal of Divorce & Remarriage, 40(1), 111-128.
 - Coyle, J. P. & Nochajski, T. & Maguin, E. & Safyer, A. & DeWit, D. & Macdonald, S. (2016). An Exploratory Study of the Nature of Family Resilience in Families Affected by Parental Alcohol Abuse. Journal of Family Issues. Vol XX, pp. 1-18.
 - Greeff, A. P. & Loubser, K. (2015). Spirituality as a Resiliency Quality in Xhosa-speaking Families in South Africa. J Relig Health 47, 288-301.
 - Hant, P., & King, D. B. (2015). Advances in the conceptualization and measurement of religion and satisfaction marital. Implications for

- physical and mental health research: *American Journal of Psychology*, 58(1), 64-74.
- King, D. B. (2008). *Rethinking Claims of Spiritual Intelligence: A Definition Model, and Measure*. A Thesis Submitted to the Committee on Graduate Studies in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science in the Faculty of Arts and science TRENT UNIVERSITY, Peterborough, Ontario, Canada.
 - Litzinger, S., & Gordon, K. C. (2014). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 31, 409-424.
 - Maio, G. R., Thomas, G., Fincham, F. D., & Carnelley, K. B. (2012). Unraveling the role of forgiveness in family relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 94 (2), 307-319.
 - Marsh, R., & Dallos, R. (2014). Religious beliefs and practices and Catholic couples' management of anger and conflict. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 7(1), 22-36.
 - McNulty, J. K. (2015). Forgiveness in marriage: Putting the benefits in to context. *Journal of Family Psychology*, 22 (1), 171-175.
 - Olson, D. H. (1999). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of family therapy*, 22,144-164
 - Olson, D. H. (2009). FACES IV and the circumplex model: validation study. *Journal of marital and family therapy*, 37, 1,64- 80
 - Olson, D. H.; Olson, A. K.; Peter, S. & Larson, J. (2008). *The couple check up. Find your relationship strengths*. Thomas Nelson /2008/ Hardcover.
 - Payne, P. B. (2017). *Spiritual beliefs in Family Experiences and Couples Cocreation of spiritual beliefs During the Early Years of Marriage*. Doctoral dissertation, Northon School of Family And Consumer Sciences Division of Family studies and Human Development.
 - Sisk, D. A. (2002). Spiritual intelligence: The tenth intelligence that integrates all other intelligence. *Gifted Education International*, 16(3), 208-212
 - Sisk, D. A., & Torrance, E, P. (2001). *Spiritual intelligence: Developing higher consciousness*. Buffalo, New York: Creative Education Founda - tion press.

- Sullivan, K.T. (2012). Understanding the Relationship between Religiosity and Marriage: An Investigation of the Immediate and Longitudinal Effects of Religiosity on Newlywed Couples, *J Fam Psychology*, 15(4), 610-626.
- Vaughan, F. (2002). What is spiritual intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2), 16-33
- Walt, V., & Alletta, E. (2006). A descriptive and exploratory study towards a spiritual intelligent transitional Model of organizational communication in University of South Africa. *J Nurs Res*, 35(2), 273-80.
- Witkin, S. L., & Rose, S. D. (2013). "Group Training communication skills for couples: A Preliminary Report". In the *American Journal of Family Therapy*, 6(4): 45-56.
- Wong, K. F., & Yau, S. Y. (2010). Nurses' experiences in spirituality and spiritual care in Hong Kong. *Appl Nurs Res*. 23(4), 242-4.
- Zohar, D; Marshall, I. (2000). *SQ: spiritual intelligence, The ultimate intelligence*. London: Bloomsbury.